

نقش فرهنگ شهرنشینی در ارتقای زندگی شهری (مطالعه موردی نظری: تبریز به عنوان شهر اولین ها)

فریده علی پور آبدار^۱

^۱ دانشجوی کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه تبریز

نویسنده مسئول:

فریده علی پور آبدار

چکیده

قرن حاضر را می توان قرن شهری شدن جهان نامید، پدیده ای فراگیر که موجب شده در عصر حاضر از هر ده نفر ساکن روی زمین، هفت نفر شهرنشین باشند؛ فرهنگ شهرنشینی مجموعه ای از قانونمندی های حاکم بر زندگی افراد جوامع شهری است که بدون حاکمیت این قانونمندی ها، زندگی شهرنشینی به واقعه ای تلخ، غیر قابل تحمل برای پیر و جوان و بزرگ و کوچک مبدل می شود. امروزه یکی از کارآمدترین ساز و کارهای مدیریت شهری برای رسیدن به مناسبات اجتماعی مطلوب و کاهش هزینه های وارده بر شهر توجه و برنامه ریزی برای ارتقای فرهنگ شهرنشینی در بین شهروندان است. آموزش و توانمندی سازی شهروندان برای ارتقای دانش، تقویت مهارت ها، کسب عادت های صحیح زندگی اجتماعی و به روز رفتارهای مطلوب شهروندی به ویژه در راه بهره گیری مناسبات از امکانات شهری از جمله ضرورت های مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهرنشینی قلمداد می شود. شهر تبریز در طول سالیان متمادی دچار حوادث طبیعی و انسانی زیادی شده است و رکود و شکوفایی های زیادی را در دوره های خاصی تجربه نموده است. اما با ورود به دهه قرن بیست و یکم و با توجه به پیچیدگی های روابط انسانی اقتصادی و تاثیر آن بر پدیده های فیزیکی از جمله بافت شکل گیری ساختمان ها و سازمان های مختلف، مسایل جدیدی در زمینه مدیریت شهری و فرهنگ شهرنشینی مطرح گردیده است.

کلیدواژه ها: فرهنگ، شهر نشینی، فرهنگ شهرنشینی، تبریز شهر اولین ها

مقدمه

شهر به عنوان مکان مهندسی ممتاز برای شکوفایی فرهنگ، بهترین مکان برای برخورد عملی با برخی از چالش های پسا بحرانی جدید شناخته می شود. با حرکت جهان در مسیر دوران شهری شدن، اهمیت پویایی و سرزندگی شهرها بیشتر می شود. امروزه در محدوده های شهری شاهد تلاش برای رقم زدن آینده ای بانشاط هستیم که این امر تنها به تبدیل شدن شهرنشینی به نوع غالب سکونت بشری منوط نیست، بلکه نقش شهرها به عنوان موتور محرک توسعه انسانی نیز در این مهم اثر گذار است. این سیر تکاملی، با اهمیتی یکسان و مقیاسی وسیع تر، به جایگاه تعهدات شهری به عنوان مراکز شکوفایی در دراز مدت اشاره دارد (فرجی، ۱۳۸۹). مردم در قرن بیست و یک همچون ادوار پیشین، برای تحقق آرزوها و علایق خود، برآوردن احتیاجاتشان و تبدیل ایده هایشان به واقعیت ها، در شهرها گردهم می آیند.

فرهنگ با زندگی شهری بالیده و راه تکاملی پیموده است. شهر واقعی، فارغ از زمان و مکان، بدون فرهنگ بی معناست. فرهنگ شهری، پدیده ای کهن سال است که هر روز نو می شود. یکی از ویژگی های شهرهای بزرگ، گردآمدن بی شماری خرده فرهنگ های متفاوت در آن هاست که موضوعی ویژه برای رشته ی جدید انسان شناسی شهری به شمار می آید. این خرده فرهنگ ها را می توان از جنبه های مختلف نظیر خرده فرهنگ های حرفه ای و طبقاتی، خرده فرهنگ های قومی و نژادی، خرده فرهنگ های محله ای و دسته های جوانان، خرده فرهنگ های اجتماعی (روشنفکران، دانشجویان) طبقه بندی کرد (انصاری، ۱۳۹۰). فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می کنند. و مختص مردم است و در هر منطقه از هر کشوری می تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد. فرهنگ با هر تعریف و تعبیری امری غریزی نیست و اکتسابی است و به وسیله آموزش، به نسل بعدی منتقل می شود. با نگاهی به روند توسعه و ارتقای زندگی شهری مشخص می شود کالبد فیزیکی شهر دائماً در حال تغییر است، سیما و چهره شهر با تغییرات بسیاری در حال تحول است، هر روز بر جمعیت شهری افزوده می شود و مشکلات شهری به اشکال مختلف خودنمایی می کند، بنابراین لازم است شهروندان با مسائل شهری خود را وفق دهند و خود عاملی اساسی باشند برای جهت دهی به اقدامات صورت گرفته در شهرها. برای دستیابی به توسعه شهری براساس دانایی محوری تا آن زمان که رفتار و کردار شهروندان دچار تغییر و تحول نشود هرگز اقدامات صورت گرفته به نتیجه نخواهد رسید (مقدم، ۲۰۱۲).

تاریخ و فرهنگ هر شهری به نوعی مانند ظرفی است که به ساکنان آن شهر رنگ می بخشد. افراد ساکن در شهرها، تحت تأثیر هویت تاریخی و کلیت فضای شهری، نوعی احساس تعلق و حس مکان را در خود تجربه می کنند، و شهری شدن به منزله نوعی شکل گیری آگاهی شهری است. انسان شهرنشین، به ویژه در کلان شهری چون تبریز، در نتیجه زندگی روزمره و بدهستان های شهری که در محیط های شغلی و فراغتی و اجتماعی پیدا می کند طبیعتاً نوعی دانش، آگاهی و ذهنیت شهری و کلان شهری در او شکل می گیرد، شهر تبریز (شهر اولین ها) به دلیل صنعتی بودن، یکی از مهم ترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می شود. انسانها با تجمع در شهر فرهنگ های گوناگونی را با خود به شهرها آورده و این تنوع فرهنگی رفتارهای مختلف را موجب می شود. از آنجاییکه فرهنگ جایگاه مهمی در زندگی شهری دارد و به عنوان یک هویت، عامل همبستگی اجتماعات و رفتاری شهروندان محسوب می شود و بررسی آن حائز اهمیت است. وقتی صحبت از شهر اولین ها می شود در ذهن هر شنونده ای، شهری با فرهنگ صحیح شهرنشینی به تصویر کشیده می شود. شهری با بافت صحیح شهری (اولین شهرداری) شهری با حداقل جنایت و خلافکار (اولین شهربانی) شهری با مراعات کامل راهنمایی و رانندگی (اولین صدور گواهینامه) شهری با فرهنگ صحیح استفاده تلفن همراه (اولین مرکز تلفن) استفاده صحیح از پارکها و مراکز تفریحی (اولین سازمان توسعه گردشگری شهرداری تبریز) ارزش گذاشتن به حقوق زنان (تشکیل اولین انجمن زنان در ایران) و غیره، شهری رویایی با تمدن چندین هزار ساله.

فرهنگ

فرهنگ، مجموعه ای از رفتارهای آموختنی، باورها، عادات و سنن مشترک، میان گروهی از افراد است که به گونه ای متوالی توسط دیگران که وارد آن جامعه می شوند، آموخته و به کار گرفته می شوند (خطیب زنجان، ۱۳۹۰)

همه انسانهایی که از گذشته های دور تا کنون در اقصی نقاط دنیا زندگی کرده اند؛ فرهنگ داشته اند. پس فرهنگ یک پدیده عام است و هیچ گروه یا فردی در جامعه انسانی نمی توان یافت که فرهنگ نداشته باشد؛ اما از آنجایی که اقوام و جوامع مختلف به نحوه یکسانی در برآوردن نیازهای خود و برخوردشان برای رفع نیازها یکسان نبوده است، طبیعتاً فرهنگ خاص خود را ساخته و پرداخته اند و از این رو است که در جوامع مختلف، تنوع فرهنگی به چشم می خورد. لیکن در یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت، بسیاری از ارزشها، باورها، هنجارها، معیارها و الگوهای رفتاری هستند که گذشته از تکرر فرهنگی قومیت های مختلف جامعه، جنبه عام داشته، همگان آن را پذیرفته اند و در یک کل اجتماعی از آن پیروی می کنند. (کرال، ۲۰۰۲).

فرهنگ عمومی یا اجتماعی، از زیر مجموعه های نظام یافته و ارکانی چون ارزشها، باورها و اعتقادات، رسوم و هنجار ما تشکیل شده اند، هم در جوامع مختلف، نظام های فرهنگی متفاوتی موجودند و هم در بطن و درون یک نظام فرهنگی بزرگ و وسیع، خُرد، فرهنگهای کوچکتری جای گرفته اند، که این امری طبیعی است، لکن در میان یک قوم، ملت، یا جامعه بزرگ و اصلی، بسیاری از ارزشها، باورها، هنجارها، معیارها و الگوهای رفتاری هستند که جنبه عام دارند، همه آنها را پذیرفته اند و همه در زندگی و روابط اجتماعی از آنها پیروی می کنند و رفتار اجتماعی آنها تحت تأثیر آنهاست. فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش آن ظاهری و بارز است مانند شکل لباس و شکل معماری است که تأثیر خاصی بر روی ذهنیات و خلیات و منش و تربیت افراد دارد و بخش دیگرش مربوط به امور نامحسوس مثل اخلاقیات فردی و اجتماعی مردم، وقت شناسی، وجدان کاری، مهمان دوستی و احترام به بزرگترهاست.

فرهنگی شدن در حقیقت هماهنگی و انطباق فرد با کلیه شرایط و خصوصیات فرهنگی است و معمولاً به دو صورت ممکن است واقع شود. اول بصورت طبیعی و تدریجی که همان رشد افراد در داخل شرایط فرهنگی خاص است. دوم بصورت تلاقی دو فرهنگ که به طرق مختلف ممکن است صورت گیرد. فرهنگ در برگیرنده تمام چیزهایی است که انسان ها از یکدیگر می آموزند و تقریباً اعمال انسان، مستقیم و یا غیر مستقیم از فرهنگ ناشی می شود و تحت نفوذ آن است. در شکل ۱. شاخص های اصلی فرهنگ به وضوح دیده می شود.



شکل ۱. شاخص های فرهنگ

در واقع، فرهنگ کامل تنها زمانی تحقق می یابد که تمام عناصر و عوامل اصلی ارتباط در فرایند معنادهی و معنایابی و نماسازی، متن فرهنگ عمومی را بازتاب هویت خود بدانند.

شهرنشینی

فریدمن شهرنشینی را در دو شکل مختلف مورد توجه قرار می دهد: نخست به مکان اقتصادی که طی آن، شهرنشینی به مرکزیت جغرافیایی جمعیت و فعالیت غیرکشاورزی در محیطهای متنوع بوده و در معنی دوم به توزیع جغرافیایی ارزشهای اخلاقی، رفتار، سازمان و نهادها مربوط میگردد. (موسوی، ۱۳۸۱).

با رشد سریع شهرنشینی، برخی از عناصر مادی فرهنگ از قبیل وسایل حمل و نقل، فناوری ساختمان، وسایل ارتباطی، تجهیزات شهری، وسایل خانگی، کالاهای مصرفی و مانند اینها به سهولت رواج پیدا می کند، ولی ارزشها، هنجارها و قواعد اخلاقی، آداب رفتاری و مانند اینها به همان سرعت تحول پیدا نمی کند و حاصل نوعی پس افتادگی فرهنگ شهری است.

افزایش آسیبهای شهری همانند آلودگیهای زیست محیطی، ترافیک، ازدحام جمعیت، آلودگیهای صوتی و همچنین گسترش سکونتگاههای غیررسمی، ناپایداری شهری در زمینههای اجتماعی، اقتصادی و محیطی و مواردی از این دست که مولود توسعه ناقص و ناپایدار شهری در جوامع در حال توسعه است، شهروندان را با مشکلات اجتماعی، روانی و فرهنگی متعدد روبه رو کرده است و این مسائل آسیبزا به عدم تعادل زیستی، منتهی شده است. بنابراین با گسترش آسیبهای ناشی از مسائل شهری، آموزشهای شهروندی و ضرورت آن، جایگاه ویژه ای در حوزه توسعه اجتماعی و فرهنگ شهروندان می یابد (دانشمند، ۱۳۸۹).

زندگی کنونی شهری نیاز به قوانین و ارتباطات خاصی دارد و هرگونه قصور، کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین، موجب بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... می شود، لذا باید به شهروندان در جامعه، قوانین مربوط به شهرنشینی، یادآوری و آموزش داده شود (مؤمنی، ۲۰۱۱). با تحلیل و تفسیر سیمای شهر می توان به عمق اندیشه، برنامه و فرهنگ مردم ساکن شهر پی برد و در واقع، شناسایی فرهنگها، نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادی جامعه شهری از طریق ظاهر هر شهر پدیدار می شود، لذا برای افزایش فرهنگ شهری، نیاز به آموزشهای شهری و مشارکت های اجتماعی است، اما روند و فرآیند آموزش شهری و بسترسازی جهت پذیرش آموزشها از سوی شهروندان، حائز اهمیت بسیار است. شناخت دقیق مسائل و مشکلات زندگی شهری و ساز و کارها و تحلیل آنها برای ایجاد رفتارهای مطلوب و ارتقاء آگاهی های شهروندان، امری ضروری است.

شدت مهاجرت و جهت آن از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ سرانجام سبب پدید آمدن ترکیبهای قومی بسیار گوناگونی در اغلب شهرهای بزرگ شده است که گاه تنشهای شدیدی را میان آنان به وجود می آورد. همزیستی اقوام متعدد با شیوههای زندگی و سلیقههای بسیار متفاوت در شهرهای بزرگ نمی تواند بدون پیامدهای اجتماعی باشد. بیشتر رفتارهایی که امروزه در زندگی شهری در حال رخ دادن است هیچ ارتباطی به زندگی روستایی و اینکه گمان کنیم میراث زندگی روستایی است ندارد، بعضی از این مشکلاتی که امروز در نظام حمل و نقل عمومی شهری و مترو وجود دارد، تمرکز جمعیت، کمبود امکانات حمل و نقل و فشارهای اقتصادی و مادی شدیدی که به زندگی مردم وارد می شود و به طور طبیعی امکان رفتار بهنجار و مبادی آداب را در زندگی روزمره از بسیاری از آنها می گیرد. و این به دلیل این نیست که مردم از سطح آگاهی بالایی برخوردار نیستند یا به آداب زندگی شهری آشنا نیستند بلکه به دلیل این است که زیرساختها و سیستمهای خدمات رسانی شهری پاسخگوی نیازهای حذاقلی شهروندان نیست، در نتیجه شهروندان در موقعیتهای اضطراری و تحت فشار گاهی ناگزیر به بروز رفتارهای نابهنجار می شوند. البته بخش دیگری از این نابهنجاریها به ضعف فرهنگ شهرنشینی و بی توجهی فردی و جمعی نسبت به آن مربوط می شود. نیالودن محیط، رعایت حق تقدم، احترام به دیگران و مانند اینها پیوند چندانی با بنیادهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ندارد، بلکه بیش تر به آگاهی و احساس مسئولیت و تعریف روابط، حقوق و تکالیف اجتماعی یعنی فرهنگ سازی، نیاز دارد (ممقانی، ۱۳۹۰).

فرهنگ شهرنشینی

فرهنگ شهرنشینی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، فضاها، امکانات، مقررات و آدابی است که به زندگی در جامعه شهری نظم و تعادل می‌بخشد. از این منظر فرهنگ شهرنشینی امروزه بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر جامعه را تشکیل می‌دهد که کیفیت آن نقش اساسی در فرایند توسعه پایدار، کیفیت زندگی، سلامت و شادابی عامه مردم دارد. از طرف دیگر تبدیل ساکنان شهر به شهروندان تمام عیار مستلزم ایجاد گسترش فرهنگ شهرنشینی است. برای زیستن در شهرهای کنونی به فرهنگ شهرنشینی جدیدی نیاز است که عناصر اصلی آن را می‌توان چنین برشمرد:

(الف) ارزش‌های جدید: نظیر جامعه مدنی، محیط زیست، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، مردم‌سالاری و جز آن.

(ب) هنجارهای جدید: نظیر حقوق شهروندی، منافع عمومی، مشارکت همگانی و جز آن.

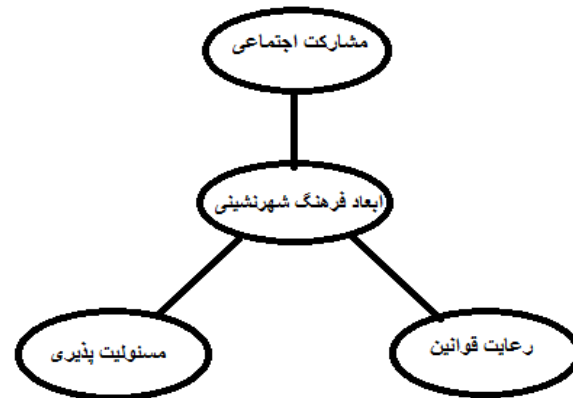
(ج) آموزش و ترویج: رسانه‌های عمومی، هنرها، جشنواره‌ها، همایش‌ها و جز آن.

در حقیقت برای زندگی در یک شهر باید فرهنگ شهرنشینی به مردم آن شهر آموزش داده شود و به صورت اصولی در سبک زندگی مردم نهادینه شود. با توجه به عناصر تشکیل دهنده فرهنگ، رفتارهای انسان، ناشی از فرهنگ حاکم بر جامعه بوده و غنای یک فرهنگ، نقش مستقیم در رفتارهای متعالی دارد و هرچه فرهنگ دچار فقر و کاستی باشد در رفتارهای افراد آن جامعه، نقص و کمبودی مشاهده می‌شود.

امروزه فرهنگ شهرنشینی بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر جامعه را تشکیل می‌دهد که کیفیت آن نقش اساسی در فرایند توسعه پایدار، کیفیت زندگی، سلامت و شادابی عامه مردم دارد. از طرف دیگر تبدیل ساکنان شهر به شهروندان تمام عیار، مستلزم ایجاد و گسترش فرهنگ شهرنشینی است (مقانی، ۱۳۹۰). اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین مربوط به شهروندی، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در قالب انواع مختلف آن، حفظ محیط‌زیست، ایجاد فضا و محله‌ای سالم، پیشگیری از هرگونه آلودگی‌ها از نوع محیطی، صوتی و...، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است که باید با ایجاد زمینه‌های فرهنگی، بنیاد قوانین شهروندی را هرچه بیشتر تقویت کرد.

حضور اجتماعی شهروندان در جامعه شهری، مستلزم ایجاد باور عمومی در شهروندان، مبنی بر مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های شهری است. در واقع تقویت احساس تعلق به محله و شهر، منجر به مشارکت داوطلبانه بیشتر شهروندان خواهد شد. اگر آموزش به یک هدف و مسئولیت تبدیل شود و امکانات توسعه و پیشرفت برای همه ساکنین شهر از همان آغاز کودکی و نوجوانی فراهم شود در آن صورت است که شهر تبدیل به یک شهر آموزش دهنده خواهد شد. وجود معضله‌های بزرگ شهری علاوه بر گسترش زمینه‌های بی‌اعتمادی میان انسان‌ها این احساس را در شهروندان ایجاد می‌کند که شاید مسئولان شهری قادر به اداره شهر نیستند و این امر در پاره‌ای مواقع میل به قانون‌گریزی را در جامعه دامن می‌زند و جلوگیری از این کار نیازمند برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و ایجاد بستر فعالیت‌های سالم و سازگار از سوی مدیران و مسئولان و همچنین آموزش فرهنگ شهرنشینی به شهروندان است.

از مهمترین ابعاد فرهنگ شهرنشینی رعایت قوانین، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی می‌باشد که در شکل ۲ آورده شده است.



شکل ۲. ابعاد فرهنگ شهرنشینی

رعایت همه جانبه قوانین در جامعه (قوانین و ضوابط شهری، قوانین مسکن، قوانین شهرسازی، قوانین راهنمایی و رانندگی و ...)، که یکی از مهمترین ابعاد فرهنگ شهرنشینی است (حاتمی، ۱۳۸۸). مسئولیت پذیری با مولفه های مسئولیت در مقابل مسایل کشور، شهر، خانواده و محله، مسئولیت در مقابل رفتار خویشاوندان و اعضای خانواده و ... مطرح می باشد. انواع مشارکت هایی که در قالب مشارکت اجتماعی قرار گرفتند عبارتند از: مشارکت در حل مشکلات محله و شهر، مشارکت در جلسه اولیاء و مربیان، مشارکت در پرداخت عوارض شهری، مشارکت در حفظ پارکها و اماکن دیدنی و بالاخره مشارکت در برگزاری مراسم و اعیاد می باشد.

تبریز (شهر اولین ها) و فرهنگ شهرنشینی

امروزه در کشورهای بزرگ جهان، بخش عظیمی از تحقیقات و منابع، مصروف کشف این حقیقت می شود که شهروند مطلوب باید دارای چه خصوصاتی باشد و چگونه می توان این ویژگی ها را در افشار مختلف جامعه توسعه داد. نتایج مطالعات نشان داده که مفهوم شهروندی، حداقل شامل چهار عنصر اصلی «هویت ملی، تعلقات اجتماعی و فرهنگی و فرا ملیتی، نظام اثربخشی حقوقی و مشارکت مدنی و سیاسی است» (حسینی، ۱۳۸۸). این مفاهیم دارای ارتباط درونی و تعامل با یکدیگرند و درحقیقت انعکاس یک واقعیت هستند؛ یعنی مفهوم شهروندی. همان طور که گفته شد، آموزش شهروندی در هر جامعه تا حد زیادی تابع فرهنگ، تاریخ، حکومت و شیوه اداره آن کشور و بطور کلی فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه است. مقوله آموزش شهروندی با آموزش ارزش ها به شدت گره خورده است و رموز و پیچیدگی های موجود در ارزش های حاکم بر هر جامعه ای تصویری متفاوت به شهروندان و صلاحیت های ضروری آنان می دهد.

یکی از دوره های تاریخ ساز و مهم در زندگی بشر که از آن به عنوان انقلاب هم یاد شده است، دوران شهرنشینی است که برای اولین بار در جنوب غربی ایران و بین النهرین رایج شده و با گذشت زمان در سایر مناطق خاورمیانه نیز اتفاق افتاد (مجیدزاده، ۱۳۶۸)

انقلاب صنعتی عامل اصلی رشد سریع شهرنشینی در جهان بود، به دنبال آن دنیای سرمایه داری در پی کشف منابع جدید و بازارهای بکر، سلطه استعماری خود را بر جهان سوم تحمیل کرد. ایران نیز تحت تأثیر این تحولات قرار گرفت. به طور کلی روند شهرنشینی در ایران تحت تأثیر سه عامل اصلی یعنی مهاجرت شدید روستائیان به شهرها، رونق شهرها و رشد سریع جمعیت شهری بود که علاوه بر رشد شتاب آلود جمعیت شهری بر تعداد نقاط شهری نیز افزوده گشت. با افزایش جمعیت شهری، ریشه ای ترین مسئله شهرها در دوران معاصر - بویژه جهان سوم - تمرکز فزاینده جمعیت در شهرها است. درنتیجه این روند، شهرنشینی دنیای معاصر، بخصوص در جهان سوم دچار مشکلات جدی شده

است که اهم آنها را می توان از فرهنگ شهر نشینی نام برد. شهری شدن جامعه ایران نه تنها از نظر رشد کمی " میزان شهر نشینی " بلکه از نظر " گسترش شهری شدن به عنوان شیوه غالب زندگی " و همچنین، تحول کیفی "شیوه شهر نشینی" باعث تغییرات چشمگیری شد. (فاضلی، ۱۳۹۲)

بر اساس کاوش های باستان شناسی قدمت تبریز به بیش از ۴۰۰۰ سال پیش می رسد و تاریخ گواه این مدعی است که این شهر همواره یکی از کانون های تمدن به شمار می رفته است. از این رو، در عرصه های مختلف همواره از پیشگامان نوگرایی در عرصه های مختلف از جمله صنعت، پزشکی، فرهنگ، ارتباطات، آموزش و ... بوده است. در تاریخ کشور ایران ، تبریز شهر اولین ها نامیده شده است. که به دلیل نقش این شهر در زمینه عناصر مدرن سازی در ایران است. بعضی از اولین های تاریخ ایران مانند اولین چاپخانه سربی با حروف عربی و فارسی ، اولین دانشگاه و شهرک دانشگاهی نه تنها در ایران بلکه در جهان، اولین دادگاه استیناف، اولین چاپ اسکناس، ادبیات نوین، اولین شهرداری، اولین شهربانی ، اولین هوانورد ایرانی، اولین آتش نشانی، اولین هتل، اولین رستوران، اولین کتابخانه، اولین سکه ماشینی، اولین اتاق تجارت، اولین مرکز تلفن، اولین کارت اعتباری اتوبوس شهری، اولین کارخانه برق، اولین سینمای عمومی، اولین مهد ایجاد ارتش آزادی خواه ، اولین کودکستان و اولین مدرسه کر و لال های ایران و اولین خیابانی که در ایران دارای برق شد، اولین سازمان توسعه گردشگری شهرداری تبریز در شهرداری های ایران در تبریز بوده است. (سرداری نیا ، ۱۳۸۱)

البته روند پیشتازی تبریز در حال حاضر نیز ادامه دارد و از جمله نمونه های آن می توان به کارت هوشمند برای تماشای مسابقات فوتبال به جای استفاده از بلیط های کاغذی برای اولین بار، کارت اعتباری اتوبوس هاس شهری، تاسیس سازمان توسعه گردشگری شهرداری تبریز، تاکسی هوایی، اولین پارک مینیاتور کشور و موزه فوتبال آذربایجان اشاره کرد. قرار گرفتن تبریز در مسیر جاده اصلی ابریشم عامل اصلی شکوفایی روزافزون شهر تبریز از عهد باستان تا به امروز گردیده است و اساسا این عامل در تکوین و توسعه شهر چه به صورت کمی و چه از لحاظ کیفی (کیفیت زندگی شهروندان) نقش مهمی داشته است. درجه شهرنشینی و فرهنگ متعالی شهروندان تبریزی از لحاظ شهرسازی مانند: تمیز بودن سطح معابر عمومی و عدم الصاق تبلیغات اضافی ، دیوارها، احترام به حقوق دیگران و حقوق شهروندی، فرهنگ ترافیک، سرمایه انسانی مردم، وفور کتاب فروشی ها و کتابخانه مرکزی شهر تبریز و ... مصداق های بارزی از رشد فرهنگ شهرنشینی مردم تبریز می باشد. در طول چند دهه گذشته با رشد آپارتمان سازی در شهر و توسعه تأسیسات و تجهیزات جدید نظیر فرودگاه، زیرگذرها ، پل های هوایی، ورزشگاه ها، ارتباط از راه دور، ماهواره ها، فروشگاه های بزرگ، افزایش انواع اتومبیل، شیوه زندگی در شهرها بسیار پیچیده تر و در نتیجه رفتارهای فرهنگی شهروندان بسیار متنوع تر شده است.

نتیجه گیری

امروزه آموزش می‌تواند استانداردهای بالاتر زندگی شهری را فراهم آورده و تحرک اجتماعی را تقویت نماید. پیشرفت و توسعه در گرو ارتقاء سطح آموزش، آگاهی، مهارت، رفتار و بینش منابع انسانی است؛ بنابراین توجه به امر آموزش‌های شهروندی و بهسازی منابع انسانی شهری، بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند.

مسئله توسعه متوازن شهری فقط محدود به مسئله هنر، زیبایی‌شناسی و دسترسی به سینما و تئاتر و کتابخانه هم نمی‌شود بلکه توجه به ارتقای سطح انواع سواد مثل سواد عاطفی، سواد رسانه‌ای، سواد مجازی، سواد اجتماعی و سوادهای دیگر شهروندان و نیز توجه جدی به شاخص‌های توسعه انسانی در حوزه‌های مختلف، توجه به مسئله میراث فرهنگی و تاریخ شهرها، توجه به میراث طبیعی و توجه به آئین‌ها و رسوم و شیوه زندگی تاریخی مردم در هر شهر می‌تواند منابع مهمی برای بهبود شرایط عینی و ذهنی شهروندان باشد؛ شهر آینه وجود انسانهاست و نظم و نظام آن مظهر سامان و بی‌سامانی روح و فکر آنهاست.

از نظر فرهنگی شهر خوب و مطلوب علاوه بر مدیریت شهری کارآمد نیازمند شهروندانی آگاه و آشنا به حقوق و وظایف شهروندی است و این مهم انجام نمی‌شود مگر آنکه با حضور در میان اجتماع مردم و نظاره کردن تحولات اجتماعی و فرهنگی به مطالبات فزاینده فرهنگی و اجتماعی اسباب و تمهیدات لازم را فراهم کنند. شهروندان ساکن شهر از مدیریت شهری و شهرداری‌ها فقط رسیدگی به وضعیت عمرانی، کالبدی و اقتصادی و خدماتی شهر را انتظار ندارند، بلکه فراهم کردن زمینه حمایت اجتماعی، روابط شهروندی، ساماندهی امور اجتماعی و فرهنگی، فراهم کردن امنیت اجتماعی و روانی و نظایر این‌ها را می‌طلبند. رشد مسائل اجتماعی گوناگون اعم از: اعتیاد، مفاسد اجتماعی، بزه‌کاری، بیکاری، تشدید فاصله طبقاتی فقیر و غنی، تکدی‌گری و... نمونه‌هایی بارز از نابسامانی‌های شهرهای امروز است که با هوشیاری مدیران شهری و با همراهی آن‌ها در بین مردم می‌توان به بهبود وضعیت این مشکلات در کلان‌شهری مانند تبریز امیدوار بود، که یکی از اینها تکدی‌گری بوده که در تبریز کلا جمع‌آوری شده‌اند و بدون تکدی‌گری می‌باشد. با توجه به بافت پیچیده‌ای که شهرها دارند و زندگی در آنها بدون رعایت قوانین و آداب و رسوم شهرنشینی ممکن نیست، لذا این امر باعث تقویت اساس قوانین شهروندی و فرهنگ شهرنشینی شده و از بسیاری هزینه‌های گزاف که مسبب آن، ناهنجاری‌ها و ناملایمات اجتماعی است، جلوگیری خواهد کرد. پس اولین و مهم‌ترین گام در ارتقای فرهنگ شهرنشینی، اطلاع رسانی و آگاهی بخشیدن به شهروندان است.

منابع و مأخذ

- انصاری، ابراهیم (۱۳۹۰). «جامعه شناسی شهر». شناسان جامعه انتشارات: تهران اول، چاپ
- حاتمی، مجتبی (۱۳۸۸). تحلیلی جغرافیایی برخی از ضوابط و قوانین مبلمان شهری اصفهان، همایش منطقه ای شهر، شهروند و مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.
- حسینی، زهرا (۱۳۸۸). عاطفه صنیعی، بررسی امکان سنجی استقرار مدیریت یکپارچه شهری در ایران، مورد مطالعه شهر مشهد
- خطیب زنجانی، نازیلا (۱۳۹۰). آموزش شهروندی نیاز جامعه امروز، روزنامه کیهان
- دانشمند، فتانه (۱۳۸۹). تقویت روحیه شهروندی در مدیریت کلان شهرها، مطالعه موردی همدان. فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۸، ص ۲۷.
- سرداری نیا، صمد (۱۳۸۱). تبریز شهر اولین‌ها، تبریز: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان
- فاضلی. نعمت الله (۱۳۹۲). فرهنگ و شهر، تهران، تیس، ص ۲۴۵
- فرجی، امین (۱۳۸۹)، تحلیلی بر مفهوم کیفیت زندگی شهری، مجموعه مقالات دومین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، دانشگاه تهران
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۶)، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- ممقانی، ذبیح الله، (۱۳۹۰). سایت مرجع مدیریت شهری
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۱)؛ پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهرها، مجله مدرس،
- Popper, Karl (2002). The Logic of Scientific Discovery (2nd English ed.). New York, NY: Routledge Classics. p. 3.
- Moghaddam, A, (2012). Later Village Period Settlement Development in the Karun River Basin, Upper Khuzestan Plain, Greater Susiana, Iran, BAR International series
- MostafaMomeni, HaniehShamskooshkia, Marjan Javadian :(2011). Application of neighborhoods council associations in sustainable urban management based on citizen participation